

اولین‌باری در **تهرانی‌ها** **مزه پیراشکی را چشیدند** **آرایش‌بوانی**

■ در راسته موبایل فروشان، صرافان و ارزفروشان دوره‌گرد خیابان جمهوری اسلامی (نادری سابق) یا به عبارتی شیک‌ترین خیابان نیم‌قرن گذشته از هـر آدمسی که بپرسـی، پیراشکی خسروی کجاست؟ علاوه بر اینکه با دست به سمت مغازه اشاره می‌کند برای اینکه دلی از عزا دربیآورد، پی تومی‌آید.

معروف‌ترین و قدیمی‌ترین پیراشکی‌فروشی تهران «پیراشکی خسروی» در میان سایر مغازه‌های آن حوالی خودنمایی می‌کند، با سابقه‌ای بیش از ۵۰ سال. با اینکه مغازه تغییر مکان داده‌است اما بنا بر گفته مشتری‌بان قدیمی‌اش، ظاهر و باطن مغازه با گذشته یکی بوده و فرقی نکرده است. وقتی می‌خواهی وارد مغازه شـوی اندکی باید صبر کنی چرا که همیشه بیش از ظرفیت مغازه، مشتری داخلش است. یک تفاوت دیگر مشهود این مغازه به گفته اهالی محل این است که در این مغازه بر خلاف سایر فروشگاه‌های آن حوالی، کسی قصد ندارد جنسش را به زور به شما قالب کند و فروشنده‌گان با نازک‌شنان نمی‌خواهند که ناراضی از آنجا خارج شویدی چرا که حق انتخاب از آن شماست تا از بین پیراشکی‌های متنوع یکی را به دلخواه سلیقه و ذائقه‌تان نوش جان کنی و روی پیشینه‌های بلند بنشینیدی و پیراشکی‌مورد سلیقه‌تان را همراه انواع آب‌میوه‌ها که در چند سال گذشته به منوی اصلی اضافه‌شده میل کنید. همچنان که مشغول خوردن پیراشکی هستید می‌توانید بریده روزنامه‌هایی که در مورد این مکان گزارش‌هایی در آنها به چاپ رسیده و نیز عکس صاحب اصلی مغازه را که در قاب چوبی قرار دارد مشاهده کنید. همچنین عکس و پوسترهایی از تهران دهه ۴۰ هم همه‌جای مغازه به دیوارها نصب شده است.

تاریخچه پیراشکی خسروی

در سال ۱۳۲۸، شخصی ارمنی تبار به نام گی‌گو به همراه شریک ایرانی اام‌روسی تبارش (خسروی) برای نخستین‌بار دست به تولید پیراشکی در ایران می‌زنند و مغازه‌ای را در خیابان سسی تیر (قوام‌السلطنه سابق) برای فروش محصولاتشان افتتاح می‌کنند و سپس چند سال بعد مغازه را تغییر مکان می‌دهند و فروشگاه‌ی در مجاورت هتل نادری در خیابان جمهوری (نادری سابق) تاسیس می‌کنند که در شروع فقط به تولید و



فروش پیراشکی‌های کرم‌دار، مربایی، کلم و سیب‌زمینی می‌پردازند که به مرور زمان و تغییر ذائقه مشتریان، سوسیس و کالباس به پیراشکی‌ها اضافه می‌کنند که معروف به پیراشکی پیژتا و گوشت می‌شود. این مغازه به‌دلیل نزدیکی‌اش به کافه نادری و واقع‌شدنش در مدرن‌ترین خیابان آن زمان، پذیرای بسیاری از هنرمندان مشهور حیطه‌های موسیقی و سینما و حتی ورزشکاران بوده است. که به دلیل نزدیکی‌اش به سفارت بریتانیای کبیر، شایع است که مشهورترین فردی که قدم به این مغازه گذاشته است، وینستون چرچیل، از نامدارترین سیاستمداران بریتانیا و نخست‌وزیر انگلستان در زمان جنگ جهانی دوم است. اما در میان جست‌وجوها هرچه سال‌ها را بالا و پایین می‌کنی، می‌بینی که تنها ما قبل تأسیس پیراشکی خسروی، چرچیل در تهران به مدت کوتاهی اقامت داشته است اما به گفته‌نوه گی‌گو که به همراه پدرش صاحب مغازه خسروی هستند، این پیراشکی فروشی ۷۶ سال سابقه دارد پس با این حساب می‌توان گفت شاید چرچیل نیز پایه این پیراشکی‌فروشی گذاشته است.

یکی، دو سال پیش، مغازه خسروی بنا به دلایلی تغییر مکان داده است و مغازه دیگری در راسته خیابان جمهوری را باز کرده است با این حال مشتریان قدیمی‌شان همچنان پابر جاست هرچند بنا به گفته صاحب کنونی آن، «مسروزه دیگری این مغازه مثل گذشته پاتوق هنرمندان نیست اما بعضی از هنرمندان با معرفت، بازهم سری به این مغازه می‌زنند و خاطرات قدیمی‌شان را زنده می‌کنند. اما اکثریت خریداران پیراشکی‌ها، کسبه جمهوری و خریداران موبایل هستند.

وقتی از مغازه خارج شدم با پیرمردی روبه‌رو شدم که در دستش یالونی پر از پیراشکی‌های خسروی بود. قبل از آنکه از او سـوالی کنم، گفت: «خانم من از او اسـط دهه ۳۰ تا به امروز، یک شب بدون این پیراشکی‌ها یا به خانام نگذاشتم‌ام.» شاید این چنین مشتری‌هایی در کل تهران فقط و فقط مختص یک مغازه باشند و بس…

ساعت کار این مغازه معروف از ۹ صبح است اما ساعت رسمی برای بسته‌شدن مغازه در نظر گرفته نشده چرا که هر مان پیراشکی‌های آن روز تمام شود، کر کره مغازه هم پایان کشیده می‌شود.

نقالی، سخنوری و…

هم فال و هم تماشا

فرزانه نیک‌روح متین

از تفریحات رایج در قهوه‌خانه‌ها، نقالی و سخنوری بود که به شاهنامه‌خوانی و شعرخوانی می‌پرداختند و برای ساعت‌هامردمانی را که از طبقات گوناگون و باسن و سال‌های مختلف و سلیقه‌های متفاوت می‌توانستند سرگرم کنند. کسی که در آن دوران به نقالی می‌پرداخت لازم نبود که از اطلاعات ادبی و تاریخی گذشته و منطقی و جامعه‌شناسی سر دربیآورد بلکه بیش از آن باید به حکایات، روایات، احادیث، اشعار تسلط داشته باشد و به حفظ اشعار شاهنامه می‌پرداختند و با تمرین صدا که گوش شنونده را آزرده نکند نام مرشد را روی خود می‌گذاشتند. مناسفانه آن طور که گفته شده نقال‌های آن دوره به جز چند نفر محدودی بقیه معناد به تریاک بودند. دلیل این بود که در تمام قهوه‌خانه‌ها، منقل، وافور و تریاک از آداب‌سو و خواه و ناخواه به مرشد تعارف می‌شد و مرشد نیز دست میهمان را بر نمی‌گرداند و به دلیل تعارفات پی‌درپی کم‌کم گرفتار شده و در ردیف بالاترین معنادان قهوه‌خانه در می‌آمدند. نقالان پس از برخاستن از پای منقل به سمت دستگاه نقالی که میز عسلی کوچکی با چهارپایه بود، آمده و شاهنامه را گشوده و چوب تعلیمی‌شان که از اسباب‌کارشان بود را به دست گرفته و بسم‌الله گوین و وسط قهوه‌خانه آمده و با یکی، دو صلوات، کار خود را آغاز می‌کرد. مدت نفل هر نقال معمولاً یک ساعت بود که سه ربع آن پیش داسنان و یک ربع آن پس داستان بود به اضافه ۲۰ دقیقه که یک ربع آن صرف دعا و پنج دقیقه خرج دعای آن می‌شد.

نقال‌های آن دوره سه دسته بودند، دسته اول که در سطح بالا و عالی سخن می‌گفتند. «غلامحسین غول‌بچه» و «سیداحمد همدانی» از نقالان مشهور این دسته بودند. دسته دوم نقالانی بودند که مطالب‌شان را از عوام ادراک کرده و خواص را سرگرم می‌کردند مانند مرشد «سداالله» و «کریم درویش» و دسته سوم که فقط برای عوام سخن می‌گفتند و مطالب‌شان در سطحی بود که طبقات پایین عامی خوش‌شان می‌آمد مانند مرشد «حسین قنات‌آبادی». اما در میان تمام نقال‌های تهران، نقالی به نام «آقاوری» که بر خلاف دیگران در کمال جد

قهوه‌خانه در دوره قاجاریه

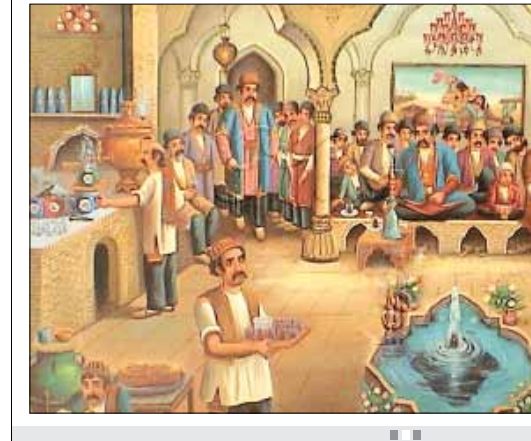
ریش سفیدی با چاشنی قهوه

این قهوه‌خانه، این بود که هر نوع میاحشـه پیرامون مسایل مملکتی و حتی روزنامه‌خوانی ممنوع به شمار می‌رفت. قهوه‌خانه «تنبیل» در چهارراه سوسکی نیز که مرکز تجمع پیاشمـل‌ها، حلا‌نمدی‌ها و لوطی‌ها بود از دیگر قهوه‌خانه‌های معروف تهران به شمار می‌آمد.

از دیگر قهوه‌خانه‌های معروف تهران، قهوه‌خانه «عرش» بود که در بالاخانه ساختمانی در نزدیکی خیابان پامنار واقع شده و به دو علت این قهوه‌خانه ممتاز بود، نخست اینکه چون قهوه‌خانه عرش تنها قهوه‌خانه‌ای بود که در طبقه دوم یک ساختمان قرار داشت مردم به طعنه آن را قهوه‌خانه عرش می‌خوانند زیرا در آن زمان هنوز ایجاد ساختمان دو طبقه در تهران مرسوم نبود و ساختمان این قهوه‌خانه تنها ساختمان دو طبقه شهر محسوب می‌شد که در معرض دید همه مردم بود و به‌طور شیشه‌انروزی به فعالیت اشتغال داشت و به همین دلیل اهل محل، آن را قهوه‌خانه عرش می‌نامیدند. بعد از علنی شدن فعالیت‌های این قهوه‌خانه و مخصوصاً اینکه دولت آن وقت هیچ واکنشی نسبت به این امر نشان نداد در نتیجه صاحب بقیه قهوه‌خانه‌های تهران جرات و جسارت پیدا کردند و تریاک، شیره و … به صورت وسایل عادی پذیرایی قهوه‌خانه‌داران درآمد.

قهوه‌خانه‌های سیار

در کنار فعالیت قهوه‌خانه‌های تهران، عده‌ای نیز که فاقد سرمایه و محل کسب جهت دایر کردن قهوه‌خانه بودند به‌طور سیار اقدام به جای فروشی می‌کردند. این کاسب‌های دوره‌گرد، سمارو بزرگی از حلی یا آهن سفید همراه داشتند که آن را با یک کمربند با‌خود حمل می‌کردند و علاوه بر این کمربند دیگری می‌پسندت که در آن اسکان و نعلبکی جاسازی شده و یک سطل آب و یک ظرف مخصوص زغال از وسایل این قهوه‌خانه‌های سیار بود.



تهران قدیم



همچنان ادامه می‌یافت تا یکی از طرفین تبریز خود را که روی زانوان نهاده دو طرفش را با دو دست گرفته بود راجلو یا بر زمین گذارد این نشان‌آنها بود که در مقابل حریف مغلوب شده و دیگر در چنته‌اش چیزی نیست.

سخنوری

سخنوری نیز از مراسم بسیار جالب مرسوم در قهوه‌خانه‌ها بود. در واقع تفریح سالمی که‌ه از آن یک دنیا دانش و بینش، تجربه، علم و اطلاع به دست می‌آمد. مجالس سخنوری به این صورت تشکیل می‌شد که قهوه‌خانه‌داران باید قهوه‌خانه‌شان به‌صورت محلی سر پوشیده و با تناسب و جادار باشد و سخنوری را که از مشتریان قهوه‌خانه یا از اهالی محل یا سرشناسی مورد توجه در سخنوری بود دعوت کرده و قهوه‌خانه را از بین و سردم که محل جایگاه سخنور است مستقر کند. سخنور مردی بود شعر‌دان و شعرشناس و گاهی شاعر با حافظه و ضابطه قوی که چندین هزار شعر در احوال در زمینه‌های مختلف به یاد داشته باشد. همچنین ذهن و تسلط قوی که بتواند هر شعری را در جای خود و به مناسبت خود بیآورد.

سردم همانطور که گفته شد محلی شاخص از قهوه‌خانه بود که سخنور در آن جلوس کرده و با حریفی مثل خود به سخنوری می‌پرداخت. همچنین وی را هم سردمدار می‌گفتند از سوی دیگر مردم، سخنور مقابل را که از محله یا گذر دیگری بود برای مبارزه دعوت کرده

چین و چروک پوست- قلعه بالای کوه- از دروس ریاضیات ۳- در طبیعت به سه حالت یافت می‌شوند- درس آموزی- چنان که از ظاهر برمی‌آید ۴- پارچه ابریشمی رنگین و نفیس- در دهـا- بعید ۵- باران عجول- زمان یک رویداد خاص- مقدار مجاز دارو برای مصرف ۶- بالاتشن بدن- تیم شهری در لیگ برتر فوتبال- رزق ۷- ماه برتابی- گوناگونی- جهت اغنیا ۸- ورم- دهلیز- ژان پیازه» روانشناس معروف آن را تفکر کودک نامیده ۹- خانه

۱- پهلوانان- آرزو- واحد معیار ۱۰- درک عاطفی- گوش داد- جامه پشمینه درآویش ۱۱- گرددهان جانور- سخت وزیاد- پادشاه کیمیا؛- الفبای موسیقی ۱۲- عقاب سیاه- توبه‌کننده- اقدام به کاری با احتمال وجود خطر یا زیان ۱۳- برقرار دایر- صفت آب شفاف و گوارا- ایما ۱۴- نیستی- زیارت‌کننده- مفت سـرو ۱۵- پند و نصیحت- ورزش رشته‌هایی نظیر «پارالل»، «بارفیکس» و «دار حلقه»

عمودی

۱- پراکندن یا فرستادن شعاع‌های نور- مادر کورش ۲-

حل جدول
۱۲۰۶

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵
۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشور های مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو
۲۱۴

۱	۷	۹	۶	۳	۴	۸	۲	۵
۲	۶	۸	۹	۵	۱	۷	۳	۴
۴	۳	۵	۲	۷	۸	۱	۶	۹
۹	۴	۳	۵	۸	۶	۲	۱	۷
۸	۲	۱	۴	۹	۷	۳	۵	۶
۷	۵	۶	۳	۱	۲	۹	۴	۸
۳	۸	۷	۱	۴	۵	۶	۹	۲
۶	۱	۴	۸	۲	۹	۵	۷	۳
۵	۹	۲	۷	۶	۳	۴	۸	۱

سال هشتم■ شماره ۱۳۳۵
روزانه
شرق

یاد

ترنا بازی در قهوه‌خانه

■ در بین انواع و اقسام تفریحات قهوه‌خانه، ترنا بازی گسترده‌گی و جاذبه بیشتری داشت و از معدود بازی‌های پرتحرک و سرگرم‌کننده‌ای بود که امکان شرکت در آن برای هر تعداد بازیکن وجود داشت. به استناد فرهنگ عمید، ترنا عبارت است از: «شال، کمربند یا طنساب که آن را دولا کنند و تاب دهند. ترنا، ترنا، بازی دسته‌جمعی است که هر کس در آن بیازد او را با ترنا می‌زنند.» این بازی مختص ماه رمضان و شب‌های بلند زمستان بود که در اکثر قهوه‌خانه‌ها، بساطش بر پا و گاه مردان یک محله تا سحرگاه در قهوه‌خانه می‌مانند و به بازی می‌پرداختند. شیوه انجام این بازی به این ترتیب بود که ابتدا از میان داوطلبان شرکت در بازی، دو نفر به عنوان اوسا (استاد) انتخاب می‌شدند و سپس یار کشی به عمل می‌آمد و هر یک از استادها عده‌ای را به عنوان اعضای گروه خود انتخاب می‌کردند. آنگاه مربع بزرگی به‌وسیله گچ یا زغال روی زمین ترسیم کرده و به تعداد بازیکنان، کمربند در داخل آن قرار می‌دادند. بعد به وسیله کر مه گروهی که باید شروع کننده بازی باشد مشخص می‌شد و آن دسته در داخل مربع قرار می‌گرفت و از همینجا بازی آغاز می‌شد. افراد داخل مربع، وظیفه‌شان حفاظت از کمربندها بود و ضمناً باید از خود هم مواظبت می‌کردند تا افراد گروه دیگر نتوانند آنها را از مربع



بیرون بکشند و علاوه بر این، باید می‌کوشیدند تا افرادی را که در خارج مربع بودند به داخل بکشند. در مواردی که یکی از دو گروه موفق می‌شدند کسی را به داخل یا خارج مربع بکشند جای دستجات با هم عوض می‌شد و بازی ادامه می‌یافت؛ اما اگر آنهایی که بیرون مربع ایستاده بودند، موفق به ربودن کمربندی در داخل مربع می‌شدند یا کمربند ربه‌ده شده به زدن افراد داخل مربع می‌پرداختند و هر چه تعداد کمربندهای ربه‌ده شده بیشتر می‌شد، میزان ضربات وارده بر افراد داخل کادر افزایش می‌یافت و این وضع آنقدر ادامه پیدا می‌کرد تا یکی از افراد داخل مربع موفق شود بیرونی‌ها را بزند.

بزرگ- طرف راست- حرف عصایی ۱۰- تاکنون- آشکار و ظاهر- پول کشور آفتاب تابان ۱۱- کشنده بی‌صدا- بزرگ‌ترین شهر استان سمنان- هافیک سیه‌چرده رنال مادر یسد ۱۲- یا تخت اثر یش- بانی افسانه‌ای شهر رم- سوال ۱۲- رسوب شونده- فولاد زنک نزن- نواو ۱۴- مساوات- آحاد- شاعر معاصر «سیاه عصر» ۱۵- ماده سمی سیگار- شاخ‌های از مکانیک(اپستا)

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

۲	۱	۹		۶	
	۶	۱	۵		
۹	۷		۳		۲
		۵	۷		۸
		۶	۴	۷	
۸			۷		۶
	۸		۱		
		۶	۸		۵
۳		۶		۸	

سودوکو
۲۱۵

قانون‌های حل جدول

سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود.

بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شودو

در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.